

ب) دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۹۹۰۰۰۹۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۱۵ صادره از شعبه ۷۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در راستای نقض دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۱۹۰۳۰۱۹۲۰ مورخ ۱۰-۱۲-۹۲ صادره از شعبه ۱۰۲۸ دادگاه عمومی جزایی تهران با این استدلال که «اساساً صدور چک‌های متعدد با تاریخ واحد و با وصف وحدت گیرنده در مانحن‌فیه و نحوه مراودات مالی فی‌مابین متداعیین ظهور در صدور چک به صورت وعده‌دار داشته است» صادر شده است.

ج) دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۹۹۰۰۰۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۰۳ صادره از شعبه ۸۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که در راستای ابرام دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۵۱۶۰۰۴۷۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی شهرستان ری با تأیید استدلال دادگاه بدوی مبنی بر اینکه «شماره سریال سه فقره چک متوالی است و همچنین مبلغ مندرج در تمامی چک‌های مذکور یکسان می‌باشد و اینکه بعید است چک اول در تاریخ ۹۲/۵/۱۰ به صورت حال، صادر و در همان روز توسط دارنده چک برگشت بخورد و گواهی عدم پرداخت صادر شود، در عین حال دارنده چک در تاریخ ۹۲/۵/۲۰ معامله دیگری با متهم انجام دهد و این بار نیز از متهم چک دریافت کند» صادر شده است.

د) دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۰۵۰۵ مورخ تیرماه سال ۹۲ صادره از شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در راستای نقض دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۳۲۴۰۰۸۱۲ مورخ ۹۱/۹/۱۹ صادره از شعبه ۱۱۲۳ دادگاه عمومی جزایی تهران با این استدلال که «با توجه به ترتیب و توالی تاریخ چک‌ها و مبالغ معین دلیل بر صادر نشدن بروز چک‌های متنازع‌فیه بوده و به عبارت دیگر، به‌روز بودن چک‌ها محرز نبوده و تعدد شکات با طرح شکایت و کیل واحد در زمان واحد دلالت بر به‌روز بودن چک‌ها ندارد» صادر شده است.

ه) دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۱۶۲۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ صادره از شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۱ در راستای نقض دادنامه شماره ۱۳۷۲

وحدت و تهافت رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر

استان تهران در امور کیفری

ابوالفضل یوسفی*

• رویه قضایی درمورد صدور چک‌های بلامحل متعدد باشماره سریال متوالی

رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران درباره این مسئله، که آیا صدور چک‌های بلامحل متعدد با شماره سریال متوالی جنبه کیفری دارد یا خیر، بر این استقرار یافته که چک‌های موصوف، جنبه کیفری ندارند. متداول‌ترین استدلال این محاکم آن است که اگر چک‌ها وعده‌دار نمی‌بود، با صدور اولین گواهی عدم پرداخت، شاکي چک‌های دیگری را از متهم قبول نمی‌کرد، لذا تعدد چک‌ها در ید شاکي و متوالی بودن شماره سریال‌های مربوطه، اماره بر وعده‌دار بودن چک‌های موضوع شکایت است. آراء مربوطه به شرح ذیل است:

الف) دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۵۹۰۰۴۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۲۶ صادره از شعبه ۶۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در راستای نقض دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۲۱۹۱۱۰۰۴۳۷ مورخ ۹۳/۰۵/۱۲ صادر شده از شعبه ۱۰۳۶ دادگاه عمومی جزایی تهران با این استدلال که «صدور سلسله‌وار چک‌های موصوف، آن هم با ارقام یکسان و تاریخ‌های مشخص، جملگی دلالت و قرینه بر این دارد که تاریخ واقعی صدور چک‌های مقدم بر تاریخ‌های مندرج در متن آن‌هاست» صادر شده است.

* دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی و عضو گروه کیفری مطالعات و استخراج رویه قضایی

کشور (وابسته به پژوهشگاه قوه قضاییه).

Yusefi_9@yahoo.com

۱. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری) سال ۹۱، پژوهشگاه قوه

قضاییه، اداره انتشار رویه قضایی کشور، چاپ اول، ص ۴۱۲.

مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۴ صادره از شعبه ۱۰۲۸ دادگاه عمومی جزایی تهران با این استدلال که «چک موضوع شکایت در ردیف چک‌های دیگر با توالی تاریخ و شماره سریال می‌باشد و این امر حاکی از وعده‌دار بودن چک موضوع شکایت دارد» صادر شده است.

دادنامه‌های پیوست

دادنامه شماره: ۱۶۲۲۰۲۲۲۷۰۹۹۷۰۹۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰

رأی بدوی

در خصوص شکایت آقای س.الف. با وکالت آقای ع.ش. علیه آقای م.الف. دایر بر صدور یک فقره چک بلامحل به شماره ... مورخ ۸۹/۱/۱۵ مبلغ ۲۶۸/۷۵۰/۰۰۰ ریال عهده بانک ملی ایران؛ با توجه به شکایت شاکی خصوصی و صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت بانک محال‌علیه و صدور کیفرخواست علیه متهم از ناحیه دادسرا و عدم حضور متهم در دادگاه و مآلاً عدم دفاع وی نسبت به اتهام انتسابی و سایر قرائن و محتویات پرونده، بزه‌کاری متهم موصوف برای دادگاه، محرز و مسلم است لذا مستنداً به مواد ۷، ۳، ۲۲ قانون صدور چک و اصلاحات بعدی به تحمل دو سال حبس تعزیری و محرومیت از داشتن دسته‌چک به مدت دو سال محکوم می‌گردد. رأی صادره، غیابی و از تاریخ ابلاغ ظرف مدت ده روز قابل واخواهی در همین دادگاه است.

رئیس شعبه ۱۰۲۸ دادگاه عمومی جزایی تهران - حسینیان

رأی دادگاه تجدیدنظر

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای م.الف. با وکالت آقای ب.الف. نسبت به دادنامه شماره ۱۳۷۲ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۴ که در مقام واخواهی نسبت به دادنامه غیابی شماره ۰۵۵۰ مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۷ از طریق شعبه ۱۰۲۸ دادگاه عمومی تهران صادر و متضمن محکومیت تجدیدنظرخواه به تحمل دو سال حبس و محرومیت از داشتن دسته‌چک به لحاظ انتساب اتهام صدور یک فقره چک بلامحل، موضوع شکایت آقای س.الف. می‌باشد. با عنایت به محتویات پرونده و اینکه در این مرحله از دادرسی لیست چندین

فقره چک با امضاء شاکی ابراز که چک موضوع شکایت در ردیف چک‌های دیگر با توالی تاریخ و شماره سریال می‌باشد و این امر حاکی از وعده‌دار بودن چک موضوع شکایت دارد. با این وصف، دادگاه، دادنامه تجدیدنظرخواسته را قابل تأیید ندانسته ضمن نقض دادنامه با لحاظ قرار دادن بند یک از شق (ب) از ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز بند (ه) از ماده ۱۳ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲۰ چون صادرکنندگان این‌گونه چک‌ها قابلیت تعقیب کیفری را نداشته دادگاه، قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می‌دارد. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

رجاء - استیری

دادنامه: ۰۵۰۵۰۰۲۲۲۷۰۹۹۷۰۹۲۰ مورخ تیر ۹۲

رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای م.م. فرزند م. دایر بر صدور نه فقره چک بلامحل به شماره‌های ...-۹۰/۱۰/۱۵ و ...-۹۰/۱۱/۲۵ و ...-۹۰/۷/۱۵ و ...-۹۰/۸/۱۵ و ...-۹۰/۲/۱۵ و ...-۹۰/۵/۱۵ و ...-۹۰/۶/۱۵ و ...-۹۰/۹/۱۵ و ...-۹۰/۴/۱۵ عهده بانک ملی جاری ۰۱۰۷۲۸۹۶۷۳۰۰۳ به مبلغ جمعاً ۲/۲۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال موضوع کیفرخواست شماره ۰۲۰۳-۹۱۱-۹۱۱/۲/۱۸ دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۴ تهران، توجهاً به شکایت شاکی، ملاحظه تصویر چک و گواهی‌نامه عدم پرداخت صادره از طرف بانک محال‌علیه که به عنوان دلیل از طرف شاکی ارائه و ابراز گردیده و با عنایت به تحقیقات معموله و نظر به عدم حضور متهم و عدم ارائه دفاع و عدم ارسال لایحه دفاعیه یا معرفی وکیل و نتیجتاً مصون ماندن شکایت شاکی از دفاع و مستندات ابرازی از ایراد و با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده بزه انتسابی به مشارالیه، محرز و مسلم، تشخیص و مستنداً به بند (ج) ماده ۷، ۲۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک ۱۳۸۲ نامبرده را به تحمل دو سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت از داشتن دسته‌چک محکوم می‌نماید. رأی صادره، غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل واخواهی در این محکمه و سپس ظرف بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رئیس شعبه ۱۱۲۳ دادگاه عمومی جزایی تهران - نسیمی

رأی دادگاه

تجدیدنظرخواهی آقای م.م. با وکالت آقای م.م. نسبت به دادنامه شماره ۱۱۲۳۴۵۰۰۸۱۲ مورخ ۹۱/۹/۱۹ صادره از شعبه ۱۱۲۳ دادگاه عمومی جزایی تهران که در مقام تأیید رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۳۲۴۰۰۳۱۲ مورخ ۹۱/۹/۱۹ صادره از همان شعبه بوده که براساس آن نامبرده به اتهام صدور ۹ فقره چک بلامحل به شماره‌های منعکس در رأی موضوع شکایت آقایان ۱- ب.م. ۲- خانم ط. م. ۳- آقای س. الف. ۴- آقای ح. ح. با وکالت اولیبه آقای الف.ر. به تحمل دو سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت از داشتن دسته‌چک محکوم گردیده است، با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه تجدیدنظرخواهی وکیل معترض و با عنایت به تاریخ شکایت تجدیدنظرخوانده مورخ ۹۰/۱۱/۲۵ و با توجه به ترتیب و توالی تاریخ چک‌ها و مبالغ معین دلیل بر صادر نشدن بروز چک‌های متنازع‌فیه بوده و به عبارت دیگر، به‌روز بودن چک‌ها محرز نبوده و تعدد شکات با طرح شکایت وکیل واحد در زمان واحد دلالت بر به‌روز بودن چک‌ها نداشته. بناءعلی‌هذا، با وارد دانستن اعتراض مستنداً به بند یک از شق ب ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و بند ۵ ماده ۱۳ قانون صدور چک ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته حکم برائت تجدیدنظرخواه به لحاظ وعده‌دار بودن چک‌ها صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

رئیس دادگاه شعبه ۲۰ تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

خاتوندهی - آروین

دادنامه: ۱۳۰۹۹۷۰۲۲۹۹۰۰۰۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۰۳

رأی دادگاه

درخصوص اتهام آقای ک.ر. فرزند ل.، ۳۳ ساله، شغل آزاد، باسواد، متأهل، آزاد با تودیع وثیقه، ساکن ایلام، فاقد سابقه کیفری، با وکالت آقای الف.الف. دایر بر صدور یک فقره چک بلامحل به شماره ... مورخ ۹۲/۵/۳۰ و به مبلغ ۲۲۴/۶۴۰/۰۰۰ ریال موضوع شکایت آقای س.ب. به وکالت از خانم الف.م.، نظر به اینکه وکیل شاکی تصریح نموده است که متهم پرونده سه فقره چک در وجه آقای ع.س. (فرزند شاکی خانم الف.م.) صادر نموده

و آقای س. چک موضوع شکایت را به شاکیه بابت تصفیه حساب شخصی ارائه نموده است. با توجه به اینکه سه فقره چک صادره و امضاءشده توسط متهم بدین شرح می‌باشد: ۱- چک شماره ... مورخ ۹۲/۵/۱۰ و به مبلغ ۲۲۴/۶۴۰/۰۰۰ ریال و گواهی عدم پرداخت مورخ ۹۲/۵/۱۰؛ ۲- چک شماره ... مورخ ۹۲/۵/۲۰ و به مبلغ ۲۲۴/۶۴۰/۰۰۰ ریال و گواهی عدم پرداخت مورخ ۹۲/۵/۲۰؛ ۳- چک شماره ... مورخ ۹۲/۵/۳۰ و به مبلغ ۲۲۴/۶۴۰/۰۰۰ ریال و گواهی عدم پرداخت مورخ ۹۲/۵/۳۰ (به شرح صفحات ۹۱-۸۵) و اینکه هر سه فقره چک با امضای متهم و در وجه شخص واحد یعنی آقای ع.س. صادر شده است. شماره سریال سه فقره چک متوالی است و همچنین مبلغ مندرج در تمامی چک‌های مذکور یکسان می‌باشد و اینکه بعید است چک اول در تاریخ ۹۲/۵/۱۰ به صورت حال، صادر و در همان روز توسط دارنده چک برگشت بخورد و گواهی عدم پرداخت صادر شود، در عین حال دارنده چک در تاریخ ۹۲/۵/۲۰ معامله دیگری با متهم انجام دهد و این بار نیز از متهم چک دریافت کند و در ادامه و در تاریخ ۹۲/۵/۳۰ نیز با این وصف که متهم ۲ فقره چک روز بلامحل صادر کرده و بانک مربوطه گواهی عدم پرداخت آن‌ها را صادر کرده است، چک سوم را از متهم به جای وجه نقد قبول نماید و جالب این است که مبلغ و ثمن معامله در هر سه مرحله دقیقاً ۲۲۴/۶۴۰/۰۰۰ ریال بوده باشد، همچنین با توجه به دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی که منکر صدور چک‌های مذکور به صورت حال شده‌اند، تحقق عنصر مادی جرم و بزه انتسابی از منظر دادگاه محرز نمی‌باشد، علی‌هذا دادگاه به استناد بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و بند (ه) ماده ۱۳ قانون صدور چک رأی به برائت متهم صدرالاشعار از اتهام انتسابی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی شهر ری - مرادی

رأی دادگاه

درخصوص تجدیدنظرخواهی آقای س.ب. به وکالت از خانم الف.م. نسبت به دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۵۱۶۰۰۴۷۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷

صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی شهرستان ری که طی آن متهم تجدیدنظر خوانده آقای ک.ر. فرزند ل.، از اتهام صدور یک فقره چک بلامحل به شماره ... مورخ ۹۲/۵/۳۰ به مبلغ دو بیست و بیست و چهار میلیون و ششصد و چهل هزار ریال عهده شعبه تهران بازار بزرگ بانک صادرات ایران به لحاظ احراز وعده‌دار بودن چک موصوف و به استناد بند (ه) ماده ۱۳ قانون صدور چک اصلاحی سال ۱۳۸۲ و بند (الف) ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری براءت حاصل نموده است، از عطف توجه به اوراق متشکله پرونده چون و کیل تجدیدنظر خواه بیان اعتراضی که فسخ دادنامه تجدیدنظر خواسته را ایجاب نماید ننموده است و تحقیقات معموله و مستندات ابرازی نیز دلالت بر وعده‌دار بودن چک مورد ترافع داشته است، علی‌هذا دادگاه توجهاً به بند (الف) ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ضمن رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده دادنامه مورد نظر را تأیید و استوار می‌نماید. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۸۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه
بیک‌وردی - پایدارپویا

دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۹۹۰۰۰۹۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۱۵

رأی دادگاه

در خصوص شکایت آقای غ.پ. علیه آقای ص.الف.، دایر بر صدور یک فقره چک بلامحل به شماره ۱۵/... مورخه ۱۳۹۲/۰۶/۲۱ به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و شماره ۲۹/... مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۱ ۱۳۹۲/۰۶/۲۱ به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال عهده بانک ملت با توجه به شکایت شاکی خصوصی و صدور گواهینامه عدم پرداخت بانک محال علیه و صدور کیفرخواست علیه متهم از ناحیه دادسرا و عدم حضور متهم در دادگاه و مآلاً عدم دفاع وی نسبت به اتهام انتسابی و سایر قرائن و محتویات پرونده بزه‌کاری متهم موصوف برای دادگاه محرز و مسلم است، لذا مستنداً به ماده ۳ و ۷ و ۲۲ قانون صدور چک و اصلاحات بعدی به تحمل (۲ سال) حبس تعزیری و محرومیت از داشتن دسته چک به مدت (۲ سال) محکوم می‌گردد. رأی صادره، غیابی و از تاریخ ابلاغ، ظرف مدت ۱۰ روز قابل اعتراض وخواهی در همین دادگاه است.

رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی تهران - حسینیان

رأی دادگاه

در خصوص اعتراض وخواهی آقای ص.الف. نسبت به دادنامه غیابی شماره ۳۰۱۵۱۴ مورخ ۹۲/۰۹/۲۵ اصدار یافته از شعبه ۱۰۲۸ دادگاه عمومی جزایی تهران؛ با توجه به اینکه معترض ایراد و اشکال مؤثری که باعث مخدوش و متزلزل شدن اساس دادنامه معترض عنه باشد به عمل نیآورده است، لذا دادنامه مذکور خالی از اشکال و منقضت قانونی، تشخیص و عیناً تأیید و استوار می‌گردد. رأی صادره از تاریخ ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل اعتراض تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران است.

دادرس شعبه ۱۰۲۸ دادگاه عمومی جزایی تهران - رشیدیان

رأی دادگاه

در مورد تجدیدنظرخواهی خانم ف.ن. آقای ج.ک. به وکالت از آقای ص.الف. فرزند م. نسبت به دادنامه شماره ۱۹۲۰۳۰۱۹۲۲۱۹۰۳۰۹۹۷۲۲ مورخ ۹۲/۱۲/۱۰ صادره از شعبه ۱۰۲۸ دادگاه عمومی جزایی تهران که در مقام رسیدگی وخواهی و استواری دادنامه غیابی شماره ۳۰۱۵۱۴ مورخ ۹۲/۰۹/۲۵ اصدار یافته و طی آن مشارک به اتهام صدور دو فقره چک بلامحل به شماره های: (۱) /.../ ۱۳۸۴ مورخ ۹۲/۶/۲۱ به مبلغ پانصد میلیون ریال؛ (۲) /.../ ۱۳۸۴ مورخ ۹۲/۰۶/۲۱ به مبلغ دو بیست میلیون ریال عهده حساب جاری شماره ... شعبه گاندی بانک ملت با شکایت آقای غ.پ. و به استناد مواد ۳ و ۷ و ۲۲ قانون صدور چک ۱۳۸۲ به کیفر دو سال حبس و ممنوعیت از داشتن دسته چک به همان مدت محکوم گردیده است، از عطف توجه به اوراق متشکله پرونده با قطع نظر از اینکه در فرض ارتکاب جرایم متعدد از ناحیه متهم تجدیدنظر خواه در مانحن فیه دادگاه بدوی تکلیف داشته با توجه به مقررات حاکم بر تعدد جرم یعنی ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تعیین کیفر نماید یعنی با توجه به فراز نخست ماده مرقوم برای هر یک از جرایم متناسب حداکثر مجازات مقرر در قانون را مورد حکم قرار دهد، اساساً صدور چک های متعدد با تاریخ واحد و با وصف وحدت گیرنده در مانحن فیه و نحوه مرادات مالی فی مابین متداعیین ظهور در دست کم صدور چک دومی یعنی چک شماره /.../ ۱۳۸۴ به صورت وعده‌دار داشته است و نظر به اینکه تجدیدنظر خوانده نیز توضیح یا دلیلی که خلاف استنباط دادگاه را در این

باب ایجاب نماید بیان و ابراز نموده است و نظر به اینکه به تکلیف بند (ه) ماده ۱۳ قانون صدور چک ۱۳۸۲ اصدار چک به نحو وعده‌دار موجب زوال وصف کیفری چک خواهد بود و نظر به اینکه درمورد بخش دیگر دادنامه تجدیدنظر خواسته که ناظر بر محکومیت متهم تجدیدنظرخواه به اتهام صدور چک بلامحل به شماره /.../۱۳۸۴ به مبلغ پانصد میلیون ریال بوده از سوی وکلای نامبرده بیان اعتراضی که فسخ این قسمت از رأی مورد نظر را ایجاب نماید صورت نگرفته و ادعای وعده دار یا تضمینی یا ربوی بودن چک صدرالمشار غیرمقرون به دلیل اثباتی بوده و از حیث رعایت اصول دادرسی و دلایل احراز بزه و انتساب آن به متهم و تطبیق با قانون نیز ایرادی که مؤثر در گسیختن رأی باشد ملاحظه نمی گردد. النهایه، چون دادگاه بدوی در مانحن فیه به ملاحظه تعدد جرم متهم تجدیدنظرخواه را به حداکثر مجازات مقرر در قانون محکوم نموده است و نظر به اینکه مشارالیه بنا به آنچه در سطور پیشین مذکور افتاد از اتهام صدور چک بلامحل به شماره /.../۱۳۸۴ مبرا و این بخش از حکم تجدیدنظر خواسته شکسته گردیده است، علی هذا دادگاه ضمن رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده در بخش دیگر حکم تجدیدنظر خواسته که ناظر بر محکومیت متهم به اتهام صدور چک دیگر موضوع پرونده به شماره /.../۱۳۸۴ بوده نامبرده را به استناد ماده ۳ و بند (ج) از ماده ۷ قانون صدور چک به کیفر یک سال حبس و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم و دادنامه تجدیدنظر خواسته را در این قسمت به استناد بند (الف) ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تأیید و استوار می نماید. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۸۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

مأمور در شعبه ۷۰ - مستشار دادگاه

بیک وردی - نبوی لاریمی

دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۵۹۰۰۴۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۶

رأی دادگاه

درخصوص شکایت آقای ع.ب. با وکالت آقای ری. علیه آقای م.پ. فرزند م. دایر به صدور چک بلامحل به شماره‌های ...-۱۳۹۱/۱۱/۲۰، ...-۱۳۹۱/۱۱/۳۰، ...-۱۳۹۱/۱۲/۱۵ همگی عهده بانک صادرات و هر کدام به مبلغ

یکصد و هفتاد و پنج میلیون ریال؛ نظر به شکایت شاکی و گواهی عدم پرداخت صادره از بانک محل علیه و کیفرخواست صادرشده علیه متهم در دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۶ تهران و نیز عدم حضور او در جلسه دادگاه و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده دادگاه بزه کاری وی را محرز و مسلم، تشخیص و مستنداً به مواد ۳، ۷، ۲۲ قانون صدور چک متهم را به تحمل ۱۸ ماه حبس و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم می نماید. رأی صادره، غیابی و ظرف ۱۰ روز قابل واخواهی در این دادگاه است.

رئیس شعبه ۱۰۳۶ دادگاه عمومی جزایی تهران - دولت خواهی

رأی دادگاه

درخصوص واخواهی آقای م.پ. نسبت به دادنامه غیابی شماره ۱۱۴۴-۱۳۹۲/۱۱/۲۶ این دادگاه که به موجب آن و براساس شکایت آقای ع.ب. با وکالت آقای ری. و به اتهام صدور سه فقره چک بلامحل به تحمل ۱۸ ماه حبس و ممنوعیت دارا بودن دسته چک بانکی محکوم شده است؛ نظر به اینکه در این مرحله از دادرسی نیز دفاع مؤثری از جانب واخواه به عمل نیامده است، لذا دادگاه با احراز مجدد بزه کاری او و رد واخواهی مستنداً به ماده ۲۱۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری دادنامه معترض عنه را عیناً تأیید می نماید. این رأی، حضوری و ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان تهران است.

رئیس شعبه ۱۰۳۶ دادگاه عمومی جزایی تهران - دولت خواهی

رأی دادگاه

درخصوص اعتراض آقای م.پ. فرزند م. نسبت به دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۲۱۹۱۱۰۰۴۳۷ مورخ ۹۳/۵/۱۲ صادر شده از شعبه ۱۰۳۶ دادگاه عمومی جزایی تهران که در مقام واخواهی در تأیید و ابرام دادنامه غیابی شماره ۹۳۰۹۹۷۲۱۹۱۱۰۱۱۴۴ مورخ ۲۶/۱۱/۹۲ اصداری از همان دادگاه و متضمن محکومیت وی به تحمل ۱۸ ماه حبس و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال از حیث ارتکاب بزه صدور سه فقره چک بلامحل به شماره سریال‌های ... به تاریخ ۹۱/۱۱/۲۰ و ... به تاریخ ۹۱/۱۱/۳۰ و ... به تاریخ ۹۱/۱۲/۱۵ هر کدام به مبلغ یکصد و هفتاد و پنج میلیون ریال عهده بانک صادرات می باشد. با تکرش در مجموع اوراق و محتویات پرونده و نظر

به اینکه اولاً، ادعای تجدیدنظرخواه مبنی بر صدور چک‌های مورد شکایت در قبال خرید پوشاک بوده با توجه به اظهارات وکیل شاکی تجدیدنظرخوانده به شرح صفحه هشتم پرونده تطبیق می‌نماید؛ ثانیاً، ملاحظه برگ درخواست عدم پرداخت چک‌های متنازع‌فیه و گواهی صادره از شعبه پنجم بازپرسی ناحیه ده دادسرای تهران؛ ثالثاً، صدور سلسله‌وار چک‌های موصوف، آن هم با ارقام یکسان و تاریخ‌های مشخص، جملگی دلالت و قرینه بر این دارد که تاریخ واقعی صدور چک‌های مقدم بر تاریخ‌های مندرج در متن آن‌هاست. بنا به مراتب، دادگاه اعتراض مشارالیه را وارد، تشخیص و مستنداً به بند ۱ از فراز (ب) ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته و به استناد بند (ه) ماده ۱۳ قانون آیین صدور چک اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲ تجدیدنظرخواه آقای م.پ. را از اتهام انتسابی تبرئه می‌نماید. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۶۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه ولدخانی - شیخی

• تهافت آراء در مورد تعزیرات منصوص شرعی

دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران و دیوان عالی کشور در رابطه با اعمال نهادهای فردی کردن مجازات در خصوص مجازات تعزیرات منصوص شرعی، رویه متفاوتی دارند. در پاسخ به این سؤال، که آیا ایام بازداشت از مدت مجازات تعزیری منصوص کسر می‌شود یا نه و آیا مجازات تعزیرات منصوص قابلیت تخفیف یا تبدیل به سایر مجازات‌ها را دارد، آراء متناقض صادر شده است. به‌طور مثال، در پرونده‌های متفاوت، با موضوع واحد رابطه نامشروع به عنوان مصداقی از تعزیرات منصوص شرعی، که در شهریور ماه سال ۱۳۹۳ رسیدگی شده‌اند، آراء متهافت در دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان تهران صادر شده است. اگرچه هر دو محکمه، بزه رابطه نامشروع را مصداق تعزیر منصوص شرعی قلمداد کرده‌اند اما به شرح ذیل در دو مورد تهافت رویه دارند: شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور به‌موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۰۳۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۰۶؛ اولاً، مستند به تبصره ۲ ماده ۱۱۵

قانون مجازات اسلامی^۱، کسر ایام بازداشت از مجازات قضایی تعزیرات منصوص شرعی را فاقد وجاهت قانونی دانسته است و ثانیاً، در رأی دیوان تأکید شده است مجازات تعزیرات منصوص شرعی قابل تخفیف و تبدیل نیست. در مقابل، شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۵۶۸ مورخ ۱۳۹۳/۶/۵، تصریح کرده است ایام بازداشت قبلی از مجازات بزه رابطه نامشروع کسر شود و ثانیاً، مجازات شلاق با احراز جهات تخفیف، تبدیل به جزای نقدی شده است. همچنین دادگاه بدوی نیز اجرای مجازات شلاق بزه رابطه نامشروع را تعلیق کرده بود که در دادگاه تجدیدنظر نقض گردید.

دادنامه‌های پیوست

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۰۳۱۲

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۰۶/۰۶

شاکی: خانم الف.ح.

متهم: (۱) ح.ت. (۲) ن.ت. (۳) س.ت. (۴) ع.ی. (۵) م.ح.

اتهام: تعزیر منصوص شرعی (رابطه نامشروع)

مرجع رسیدگی: شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور

خلاصه جریان پرونده

در خصوص اتهام آقایان: ۱- ح.ت. دایر بر زناى به عنف با الف.ح. و

مباشرت در سرقت چهار عدد النگوی بدلی و نود هزار تومان وجه نقد؛ ۲-

ن.ت.، متأهل، دایر بر زناى به عنف؛ ۳- س.ت.، مجرد، دایر بر زناى به

۱. ماده ۱۱۵- «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرایم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

تبصره ۱- مقررات راجع به توبه، درباره کسانی که مقررات تکرار جرایم تعزیری در مورد آن‌ها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.

تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.»

عنف و معاونت در سرقت مذکور؛ ۴-ع.ی.، مجرد، دایر بر زناى به
عنف؛ ۵-م.ح. دایر بر تسهیل در زناى به عنف و معاونت در سرقت با
وکالت آقای ج.س. و خانم ز.الف. حسب گزارش در تاریخ ۹۲/۳/۳۱ خانم
الف.ح. فرزند م. با مراجعه به مرجع انتظامی اظهار داشته: در معیت
الف.ق. با موتورسیکلت به.... رفتیم و به سر موتور آب آقای م.ح. رفتیم.
پس از استعمال قلیان، م. از اتاقک بیرون رفت. بعد چند جوان حدود ۱۰
الی ۱۵ نفر وارد شدند و با قهر و غلبه به من تجاوز کردند. ح.ط. از راه
رسید و با آن‌ها درگیر شد. آن‌ها مقاومت کردند؛ گفتند: مأمورین آمدند.
آن‌ها متواری شدند. شاکیه اظهار داشته: ۱۶ جوان وارد اتاق شدند و چهار
نفر از آن‌ها به من تجاوز کردند (ص ۱۶ و ۱۰۳) و انگوها و پول‌هایم را
بردند. ... دادگاه پس از جری تشریفات دادرسی و با حضور نماینده
دادستان و اعلام ختم جلسه دادرسی مبادرت به انشاء رأی می‌نماید و با
استدلالی که می‌نماید متهمین ح.ت. و ن.ت. و س.ت. و ع.ی. را از حیث
اتهام زناى به عنف و اکراه تبرئه می‌نماید ولیکن با توجه به اقاریر اکثر
متهمین دایر بر داشتن رابطه نامشروع و اظهارات آن‌ها درباره سایر
متهمین که موجب حصول علم می‌گردد هر کدام از متهمین مذکور
را به تحمل ۹۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید و مدت بازداشت را از
تعداد شلاق‌ها کسر می‌نماید و سپس هر کدام از متهمین به عنوان
تنمیس مجازات به ترتیب: ۱- ح.ت. به مدت شش ماه به اقامت اجباری
در ...؛ ۲- ن.ت. را به شش ماه اقامت اجباری در ...؛ ۳- س.ت. را به مدت
شش ماه اقامت اجباری در و ۴- ع.ی. را به مدت شش ماه اقامت
اجباری در... محکوم می‌نماید. در مورد اتهام سرقت ح.ت. با توجه به
استدلالی که می‌نماید و استدلال دادگاه هم موجه می‌باشد به دو سال
حبس درجه پنج با احتساب ایام بازداشت قبلی و ۷۴ ضربه شلاق محکوم
می‌نماید. سپس در خصوص سرقت مبلغ نود هزار تومان متهم را تبرئه
می‌نماید. و در خصوص اتهام م.ح. دایر بر معاونت در سرقت متهم را تبرئه
می‌کند. و در خصوص اتهام تسهیل در امر ارتکاب جرم برای صدور
کیفرخواست پرونده را به دادسرا اعاده می‌کند و در مورد اتهام آقای
س.ت. دایر بر معاونت در سرقت وی را نیز تبرئه می‌نماید. این رأی مورد

اعتراض و تجدیدنظرخواهی آقای ج.س. به وکالت از آقایان ن. و س.
هر دو ت. و ع.ی. و همچنین آقای م.ب. به وکالت از خانم الف.ح.
واقع جهت رسیدگی به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع
می‌گردد. این شعبه پس از بررسی به شرح آتی رأی صادر می‌کند.

رأی دیوان عالی کشور

نظر به محتویات پرونده و کیفیات منعکس در آن در خصوص
تجدیدنظرخواهی آقای ج.س. به وکالت از آقایان ن.ت. و س.ت. و ع.ی.
و آقای م.ب. به وکالت از خانم الف.ح. نسبت به رأی مذکور چون از سوی
آنان دلیلی که موجب نقض دادنامه باشد ارائه نگردیده و از لحاظ رعایت
مقررات دادرسی و مبانی استدلال هم ایرادی مشاهده نمی‌شود و با توجه به
اقاریر متهمین و اظهارات متضاد شاکیه و حضور وی در شب به همراه فرد
نامحرم و مطلقه و بی‌قید بودن او و دلایل استنادی دادگاه محترم
در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای م.ب. به وکالت از خانم الف.ح. و
همچنین در مورد تجدیدنظرخواهی آقای ج.س. در خصوص اتهام سرقت
ح.ت. به استناد بند (الف) ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های
عمومی و انقلاب در امور کیفری رأی معترض‌عنه تأیید می‌گردد. و اما
در مورد محکومیت متهمین به ۹۹ ضربه شلاق و سپس کسر آن از مدت
بازداشت نظر به اینکه محکومیت تعزیری متهمین جزء تعزیرات منصوصه
می‌باشند به استناد تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی قابل تخفیف
و تبدیل نمی‌باشد، لذا به استناد بند (ب) ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی
دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در خصوص اتهام متهمین ح. و
ن. و س. همگی ت. و ع.ی. دایر بر رابطه نامشروع رأی مذکور نقض و
جهت رسیدگی به دادگاه هم‌عرض دادگاه صادرکننده رأی
تجدیدنظر خواسته ارجاع می‌شود.

مشخصات رأی دادگاه تجدیدنظر

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۵۶۸

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۰۶/۰۵

شاکی: آقای م.م.

متهم: (۱) آقای م.ف. (۲) خانم م.خ.

اتهام: تعزیر منصوص شرعی (رابطه نامشروع)

مرجع رسیدگی: شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - احوار کی/ رضانی

رأی دادگاه

در خصوص اتهام (۱) آقای م.ف. ۳۴ ساله؛ (۲) خانم م.خ. ۲۷ ساله، اهل و ساکنان تهران، هر دو آزاد به لحاظ صدور قرار قبولی وثیقه، دایر به برقراری رابطه نامشروع غیرزنا؛ با توجه به شکایت اولیه آقای م.م. همسر متهم ردیف دوم، گزارش ضابطان قضایی، تحقیقات انجام شده از سوی دادسرای ناحیه ۲۱ تهران، نحوه اظهارات و اقراریه متهمان و سایر قرائن، ارتکاب بزه معنونه از سوی آنان محرز تشخیص، فلذا به استناد ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ حکم به محکومیت آنان به هر کدام نود و نه ضربه شلاق تعزیری با رعایت مفاد ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صادر و اعلام می گردد؛ با توجه به اعلام گذشت شاکی نسبت به هر دو متهم به شرح صورت جلسه مورخ ۹۲/۱۰/۱۸ و اظهار ندامت و پشیمانی متهمان و اینکه با گذشت شاکی متهمه با وی به زندگی خود با فرزند مشترکشان ادامه می دهد دادگاه اجرای مجازات را مصلحت ندانسته و با اجازه حاصل از ماده ۴۶ و رعایت شرایط مقرر در ماده ۴۰ قانون اخیرالذکر از حال به مدت سه سال تعلیق می نماید. چنانچه از این تاریخ تا پایان مدت تعلیق مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه ۷ نشوند، محکومیت تعلیقی بی اثر خواهد شد (به استناد ماده ۵۲ قانون مذکور) و در صورتی که در خلال مدت یادشده مرتکب یکی از جرایم مذکور گردند پس از قطعیت حکم اخیر به استناد ماده ۵۴ همان قانون قرار تعلیق لغو و هر دو مجازات درباره مرتکب اجرا خواهد شد. و اما در مورد اتهام آقای م.ش. فرزند ح.، ۳۵ ساله، اهل و ساکن تهران و خانم م.خ. فرزند غ.، ۲۹ ساله، اهل و ساکن مشهد، هر دو آزاد به لحاظ صدور قرار قبولی کفالت (متهم ردیف دوم با وکالت آقای م.الف.) دایر به رابطه نامشروع غیرزنا با توجه به نحوه دفاعیات و انکار شدید متهمان، نحوه اظهارات و کیل متهم صرف نظر از اعلام گذشت شاکی به لحاظ عدم کفایت ادله اثباتی مستنداً به ماده ۱۷۷

قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و رعایت اصل ۳۷ قانون اساسی حکم برائت آنان صادر و اعلام می گردد. این رأی حضوری محسوب و ظرف بیست روز از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.

دادرس شعبه ۱۰۸۴ دادگاه عمومی جزایی تهران - توحیدلو

رأی دادگاه

در این پرونده سرپرست محترم اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۱ تهران به نمایندگی از دادستان محترم عمومی و انقلاب تهران از بخشی از دادنامه شماره ۱۲۲۱-۰۱۲۴/۹۲-۱۰۲۴ شعبه ۱۰۸۴ دادگاه عمومی جزایی تهران تجدیدنظرخواهی کرده است. به موجب دادنامه موصوف آقای م.ف. و خانم م.خ. از حیث بزه برقراری رابطه نامشروع هر کدام به تحمل ۹۹ ضربه شلاق تعزیری که به مدت سه سال معلق شده محکوم گردیده اند. سرپرست محترم اجرای احکام مربوطه تعلیق مجازات را برخلاف مقررات تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اعلام می دارد. دادگاه با عنایت به اینکه تعلیق اجرای مجازات شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی شود که تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون یادشده بر این امر صراحت دارد، لذا تعلیق اجرای مجازات صحیح نیست اما همان طور که دادگاه بدوی در دادنامه تجدیدنظرخواسته ذکر کرده است به لحاظ اینکه شاکی گذشت خود را اعلام داشته و با خانم م.خ. و فرزند مشترکشان زندگی می نمایند و فقدان پیشینه محکومیت کیفری تجدیدنظرخواندگان و وضعیت خاص آنان استحقاق در تخفیف مجازات را دارند، از این رو با اجازه حاصل از تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و رعایت مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شلاق مقرر در دادنامه تجدیدنظرخواسته را برای هر کدام از تجدیدنظرخواندگان به پرداخت مبلغ پنج میلیون ریال جزای نقدی به نفع صندوق دولت با احتساب ایام بازداشت قبلی تبدیل و تخفیف داده می شود. بر همین اساس دادنامه تجدیدنظرخواسته با تبدیل مجازات به عمل آمده به شرح فوق و حذف تعلیق به استناد بند (الف) ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون

تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تأیید و استوار می‌شود. این رأی
قطعی است.

رئیس شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

اهوار کی - رضانی